

بررسی مسئولیت کیفری انجام جرائم توسط ربات‌ها^۱

علمی - پژوهشی

ناهید دهقان عفیفی^۲

چکیده

ربات‌ها ماشین‌هایی ساخته دست بشر برای استفاده‌های گوناگون می‌باشند. پیشرفت تکنولوژی قابلیت‌های مختلفی را برای آنها متصور ساخته است. کاربرد آنها در جنگ‌ها و به عنوان سلاح امری حقوقی و فقهی است که لازمه اتلاف به واسطه آنها مسئولیت کیفری است. شناخت مفاهیم ربات، جرائم کیفری، سبب و مباشر، امر، تسبیب، آلت، در مواجهه با این مسئله کمک شایانی خواهد نمود. مستندات در اثبات مسئولیت کیفری می‌تواند آیاتی باشد که به واسطه عموم دال بر ضمان هستند. و اطلاق و عموم روایات، همچنین قاعده تسبیب که برگرفته از عقل و نقل است، دلائل دیگری در این زمینه می‌باشند. صدق امر به طراح اینگونه ماشین‌ها، توجه ضمان نسبت به ربات‌های غیر معتاد و توجه ضمان نسبت به طراحان متعدد، همچنین بررسی سببیت یا مباشرت در ربات‌های هوشمند و ربات‌های مهاجم (جنگجو) از دیگر فروع فقهی این مسئله می‌باشد. آلیت ربات در انجام کارها امری عقلانی بوده و نمی‌توان در آن تردید نمود.

کلید واژه‌ها:

ربات، مسئولیت کیفری، تسبیب، اتلاف، مباشرت، سبب، قتل

^۱ - تاریخ وصول: (۱۴۰۰/۰۸/۱۶) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۲/۰۹)

* استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

مقدمه

تاکنون زوایای مختلفی از سببیت در اتلاف جان و مال مورد بررسی قرار گرفته و علمای فقه و حقوق به بیان نظرات خویش اقدام نموده‌اند. از جمله مواردی که امروزه می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق مجرمانه شناخته می‌شود استفاده از تکنولوژی در اتلاف باشد. از جمله این تکنولوژی‌ها ساخت ربات‌هایی است که همانند آدمی اموری را با تعیین برنامه‌های متنوع انجام می‌دهند. از استفاده‌هایی که این ماشین‌ها برای بشر دارند قتل نفس و یا ایجاد خسارت باشد. این نوشتار در پی بررسی مسئولیت کیفری ناشی از انجام چنین جرائمی باشد. دانشمندان فقه و حقوق در رابطه با این مسئله تحقیق جامعی انجام نداده‌اند. در واقع بزرگان عرصه فقه و حقوق با موشکافی در رابطه با مستندات معتبر شرعی و قواعد عقلی و نقلی راه را برای شناخت موضوع و مفهوم گشوده‌اند. تنها کتابی که در این زمینه نگاشته شده با عنوان «وقتی ربات‌ها می‌کشند» نوشته گابریل هالوی به زبان انگلیسی است که در دسترس نبوده است. موضوع کتاب برگرفته از حادثه‌ای در یکی از کارخانجات صنعتی ژاپن است که رباتی هنگام فعالیت در کارگاه طبق برنامه ریزی صورت گرفته به طرف کارگری رفته و همانند کالاهایی که اقدام به جایه‌جایی آنها می‌کرد باعث مرگ او شده است. بنابراین وظیفه مشکلی که این نوشتار بر عهده دارد، تبیین مسئولیت کیفری مربوط به استفاده از این گونه ماشین‌ها با استفاده از مستندات قطعی، پذیرفته شده، و عقلانی در موارد مشابه در اتلاف به واسطه ربات‌ها می‌باشد. اطلاق آیات، عموم روایات و قاعده تسبیب شامل چنین سبب‌هایی می‌شود.

الف) مفهوم شناسی

۱. ربات

به ماشین‌هایی اطلاق می‌شود که توسط آدمی برای کاربردهای متنوعی ساخته شده و از مظاهر تمدن و تکنولوژی محسوب می‌شود. در تعریفی که برخی پایگاه‌های الکترونیکی از آن ارائه داده‌اند یک دستگاه الکترومکانیکی یا یک نرم افزار هوشمند برای جایگزینی با انسان به هدف انجام وظایف گوناگون است. یک ماشین که می‌تواند برای عمل به دستورهای گوناگون برنامه ریزی گردد و یا یک سری کارهای ویژه انجام دهد. به ویژه آن دسته از کارها که فراتر از توانایی‌های طبیعی و سرشتی بشر باشند. این ماشین‌های مکانیکی برای بهتر به انجام رساندن کارهایی چون احساس کردن، دریافت نمودن و جابجائی اشیاء یا کارهای تکراری مانند جوشکاری فراوری می‌شوند. در برخی رسانه‌ها از ربات جنگجو و یا آدمکش نام برده شده که یک اسلحه کاملاً خودکار است و بدون دخالت انسان می‌تواند هدف را برگزیده و با آن به نبرد بپردازد. یک چنین ماشین‌هایی در حال حاضر وجود ندارند ولی به خاطر پیشرفت‌های سریع در رشته رباتیک ساخت آنها به واقعیت نزدیک تر شده است. (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد و پایگاه تبیان www.tebyan.net) در این

میان برخی جرم ها در فضای مجازی و به واسطه نرم افزارهای خاص نوشته شده توسط افراد برای اهداف مختلف نیز وجود دارند. این نوع جرم ها که از آن به جرائم سایبری نیز تعبیر می شود نوعی از جرائم اینترنتی هستند. در فصل اول قانون جرائم رایانه ای دسترسی غیر مجاز، شنود غیر مجاز و جاسوسی رایانه ای جزء جرائم سایبری شناسانده شده اند.

۲. جرائم کیفری

جرائم کیفری آن دسته از رفتارهای ممنوع و یا ترک فعلی را گویند که توأم با مجازات باشد مانند قتل و سرقت. به عبارت دیگر جرم کیفری عملی است که قانون ارتکاب آن را منع نموده و برای مرتکب کیفری قرار داده است. در صورتی که در اثر عمل مزبور زینانی بکسی وارد آید، کسی که موجب آن شده ملزم است زیان مزبور را جبران بنماید. (امامی، بی تا: ۱۳/۴) در حقوق کیفری نمی توان شخص را به خاطر عمل دیگری مجازات کرد و در حقوق مسئولیت مدنی نیز ممکن است در بادی امر، مسئولیت جبران خسارت وارده از اعمال دیگران، امری شگفت آور به نظر برسد، ولی قانونگذار به دلایلی مسئولیت ناشی از فعل غیر را تجویز کرده است و اغلب مواردی است که مباشر خسارت، استطاعت کافی برای جبران خسارت ندارد و یا به کلی فاقد استطاعت است. مسئولیت ناشی از فعل غیر دقیقاً برای جبران خسارتی است که از اشخاص غیر مسئول سر می زند. هرگاه طفلی یا دیوانه ای که فاقد عقل است به کسی خسارتی وارد کند مسئول این خسارت کسی است که نگهداری طفل یا دیوانه را به عهده دارد. (بجنوردی، ۱۴۱۰، ۱، ۲۱۰)

۳. سبب و مباشر

سبب در لغت به معنای وسیله و یا طنابی که بدان به بالای درخت خرما دست می یافته اند. (قرشی، ۱۴۱۲، ۳، ۲۰۶) و در اصطلاح مقصود از سبب به معنای سبب فلسفی نیست که از وجودش وجود مسبب لازم آید. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۲، ۲۰۷) بلکه بدین معناست که از نبودش نبود مسبب لازم می آید. (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۳/۱) باید توجه داشت که سبب با مباشر تفاوت هایی را دارا هستند:

- صدق مباشرت با فعل مثبت است در حالی که در سبب هم فعل مثبت و هم فعل منفی می توانند مصداق سببیت باشند. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱، ۱۱۷) در هر حال در بحث حاضر ایجاد فعلی مثبت (ساخت و استفاده از یک ماشین به عنوان سبب قتل) مطرح است.

- تفاوت دیگر سبب و مباشر اینکه در مباشرت امر دیگری فاصله نمی شود بر خلاف سبب که عاملی دیگر فاصله میان عمل و نتیجه است. (محقق داماد، همان)

- عنصر تقصیر در سبب وجود دارد بر خلاف مباشرت که تقصیر در آن دخالتی ندارد. بدین بیان که باید سببی که باعث تلف می شود حتماً همراه عنصر تقصیر باشد تا ضمان به وجود آید. (شهید ثانی، ۱۴۱۳،

۱۲، ۱۶۶) در صورت عدم تقصیر ضمانی نیز نخواهد بود. به عنوان مثال اگر چاهی حفر شود در صورت وجود علائم هشدار دهنده اگر تلفی رخ دهد هیچ ضمانی بر عهده حافر نیست. و این بر خلاف مباشرت می باشد که در صورت وجود یا عدم تقصیر فرد ضامن است. البته این امر نشان دهنده وجود عناصری دیگر غیر از عمد و قصد است. افراط و تفریط از جمله اموری است که این تبصره بیان کننده آن می باشد. در مثال فوق فقدان علائم هشدار دهنده نشان دهنده تفریط است و این در صورت بروز خسارت و تلف موجب ضمان خواهد بود. بنابراین چه قصد و علم نسبت به اتلاف وجود داشته باشد یا نه ضمان صدق خواهد کرد. در واقع این اتلاف است که در صورت وقوع موجب ضمان است. (بجنوردی، همان، ۱۹۳) فقها نسبت به تفاوت مباشر و سبب تعاریف مختلفی را ارائه نموده اند. امام خمینی (س) در این زمینه فرموده است: «مقصود از عنوان مباشر اعم از این است که فعل بدون استفاده از وسیله و ابزار از فاعل صادر شود، مانند: خفه کردن با دست و یا زدن با دست و یا پا، به صورتی که بمیرد و یا اینکه قتل با استفاده از وسیله‌ای باشد؛ مانند: تیراندازی و مانند آن ... و یا اینکه بدون تأویل و توجیه از نظر عرف به او نسبت داده شود، مانند: انداختن در آتش ... و غیر از این موارد از وسایطی که نسبت قتل باوجود آن صادق است.» (امام خمینی، بی تا، ۲، ۵۶۰) این عبارت بیانگر مرجعیت عرف در تشخیص مباشرت و تسبیب است. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۲، ۴۶۴) البته انداختن در آتش از دیدگاه برخی دیگر از فقها به عنوان تسبیب شناسانده شده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴، ۱۸۱) و همین تفاوت عرفی را بیان می نماید. زیرا عرف آتش را کشنده و آسیب زننده می داند. همین امر در ماده ۶۳۹ قانون مدنی چنین بیان شده است: «هرگاه مال عاریه دارای عیوبی باشد که برای مستعیر تولید خسارتی کند، معبر مسئول خسارت وارده نخواهد بود مگر اینکه عرفاً مسبب محسوب شود. همین حکم در مورد مودع و موجر و امثال آنها نیز جاری میشود» بر اساس ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی مباشرت در جنایت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد. سبب اقوی از مباشر (مباشر معنوی) کسی است که ارتکاب جرن عقلاً به او منتسب است، به عنوان مثال کسی که به صغیر غیر ممیز یا دیوانه ای چاقویی می دهد تا فرد منظور را به قتل رساند. ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی می گوید: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.» ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز چنین بیان داشته است: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه سبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.» گاهی سبب به دلالی می تواند نسبت به مباشر برتری داشته باشد. در این صورت هر اندازه که متلف مباشرت بیشتری داشته باشد، باز این سبب است که مسئول می باشد. از جمله مصادیق اقوی بودن سبب از مباشر می توان به موارد ذیل اشاره نمود: غرور (فریب)، اکراه و اجبار، اضطرار، جهل. به موارد فوق می توان رابطه فرمانده، رییس و مرئوسی را نیز افزود. بدین ترتیب

که گاه مأمور برای اطاعت از دستور اقدام به عملی می نماید. در این صورت آمر به عنوان اقوی از مباشر بوده و مسئولیت متوجه اوست. (امامی، همان، ۳۹۵) طلب آمر می تواند به دو گونه اتفاق افتد:

- طلب مطلق

ممکن است گونه ای از امر را نیز تصور نمود که به نوعی ارشادی محسوب شده و لازمه ترک آن عقاب نباشد. بر فرض اگر حیوانی مانند سگ که برای شکار و یا حفاظت تربیت شده است مطابق فرمان داده شده حرکتی انجام ندهد ولی این تمرد عقابی را در پی نداشته باشد. چه بسا انجام دستورات مطابق اختیار و علاقه ای باشد که نسبت به عمل خواسته شده انجام می گیرد.

- اکراه و اجبار

این نوع امر جزء دستورات و فرامینی است که متعاقب آن عقوبت و عذاب است. صدق این دو وجه بر رفتاری که از ربات ها سر می زند قابل قبول نیست. زیرا عقاب برای این ماشین ها معنا ندارد. عقاب مربوط به موجوداتی است که دارای احساس بوده و عقاب را درک نمایند. بنابراین صدق این نوع از امر بر ماشین های مصنوعی شدیداً قابل خدشه است. (اراکی، ۱۴۲۰، ۳۸۰)

۴. امر

این واژه اسم فاعل از ماده «امر» به معنای امر کننده و کسی که دستور داده و طلب می کند. در اینجا کسی است که خواسته ای را مبنی بر اتلاف از کسی می خواهد. مأمور می تواند بالغ و عاقل و یا غیر بالغ و یا مجنون باشد. در صورتی که بالغ و عاقل باشد قصاص شده و آمر حبس می شود. در صورتی که مباشر غیر بالغ و یا مجنون باشد، همانند آلت محسوب شده و قصاص متوجه آمر خواهد بود. (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۷۰، ۵)

۵. تسبیب

برخی از فقها در تعریف تسبیب به بیان مصادیق اکتفا نموده و تعریفی خاص را ارائه نکرده اند. (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۱۹۵، ۲) برخی دیگر که شامل بیشتر فقها می باشند با تعریف تسبیب ملاک و مشخصه را بدست داده اند. بدین ترتیب که تسبیب هر فعلی است که تلف به واسطه آن اتفاق می افتد. این عده از فقها در ادامه مثال هایی را مطرح نموده اند. محقق در تعریفی دیگر ضابطه تسبیب را چنین بیان نموده که در صورت فقدان آن تلف رخ نخواهد داد. وی در اینجا علت را غیر از سبب دانسته است. بدین ترتیب که علت مرگ مواجهه با عامل و عنصر مرگ است (مانند کشته شدن در اثر گزش مار و یا افتادن در چاه) ولی سبب به عاملی گفته می شود که باعث تلف می شود. (مانند جانی که با افکندن مار سمی بر دیگری باعث مرگ او می شود). (محقق حلی، ۱۴۱۸، ۲، ۳۰۶) در تسبیب، شخص به طور مستقیم مباشر تلف کردن مال غیر نیست، بلکه مقدمات تلف را فراهم می آورد؛ یعنی کاری انجام می دهد که در نتیجه آن کار و به علل دیگر تلف واقع می شود، مثل این

که چاهی در معبر عمومی می‌کند و دیگری در اثر بی‌احتیاطی در آن چاه می‌افتد؛ و یا در محلی غیر مجاز توقف می‌کند و موجب لغزش اشخاص و آسیب به دیگران می‌شود. در این مثالها مسبب به طور مستقیم مال را تلف نکرده و به دیگری زینانی نزده است، ولی عرف، ورود ضرر را منسوب به او می‌داند و به همین جهت او را مسئول می‌داند. (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۳۳۰) قبل از استناد به این قاعده باید مرتبه اتلاف به واسطه ربات را مشخص نمود. تسبیب از دیدگاه محقق حلی دارای مراتبی است:

(الف) جانی کاملاً مستقل و به صورت منفرد عمل می‌کند. همانند جایی که تیری افکنده و کسی را بدان بکشد. و یا دیگری را در آتش افکند. در این مرتبه اگر ساحر با سحر باعث کشته شدن کسی شود از دیدگاه شیخ طوسی، قصاص نمی‌شود. (طوسی، ۱۴۰۷، ۵، ۳۳۰)

این رتبه از تسبیب را نمی‌توان جزء اسباب به شمار آورد. زیرا عرفاً منشأ قتل و یا اتلاف مباشر محسوب می‌شود هر چند که علت تلف آتش و یا تیر باشد.

(ب) مجنی علیه نیز در تسبیب شرکت و مباشرت داشته باشد. مانند جایی که غذایی مسموم به وی داده شود و او آن را تناول نماید. جانی کسی را مجروح سازد و مجنی علیه با استفاده از دارویی سمی به درمان خویش پرداخته و کشته شود.

(ج) مسبب با مباشرت حیوانی اقدام به قتل نماید. مانند جایی که فردی را درون آب دریا افکنده و توسط ماهی [گوشت خوار] کشته شود. و یا سگی را تهییج به حمله به دیگری نماید.

محقق حلی قصاص کسی که با انداختن دیگری در آب باعث کشته شدن او توسط ماهی شده را ثابت می‌داند. وی دلیل خود را چنین بیان داشته است که ماهی طبیعتاً ضرر رساننده است و مانند آلت می‌باشد. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴، ۱۸۳) از آنچه محقق حلی در اینجا بیان نموده می‌توان استفاده نمود که آلت باید عادتاً مضر باشد. معنای این سخن این است که در صورت استفاده از آلتی غیر معتاد برای قتل عامل، مستحق قود نخواهد بود. در حالی که کودک و مجنون نیز آلت قتل محسوب نشده و عادتاً مضر شمرده نمی‌شوند.

(د) قتل با مباشرت انسانی دیگر انجام شود. مانند کسی که چاهی را حفر کند و نفر دوم مجنی علیه را داخل چاه اندازد. و یا در صورتی که فردی را اکراه به قتل نمایند.

با بررسی آنچه بیان شد، قتل با ربات می‌تواند در مرتبه سوم باشد. زیرا مثال حیوان به عنوان مباشر در مورد ربات نیز صادق است. (محقق حلی، همان، ۱۸۱) به عبارت دیگر حیوان حکم آلت را دارد. مرتبه اول به خاطر مباشرت مستقیم فرد نمی‌تواند بر تلف با ربات صدق نماید. در صورت دوم نیز مباشرت مجنی علیه همراه عامل بر این مورد صادق نیست. در اینجا قتل با مباشرت انسانی دیگر صورت نگرفته که بتوان مرتبه چهارم را نیز پذیرفت.

۶. آلت در کلام فقها و قانون

اشاره به آلت در سخنان فقها بسیار دیده می شود. گاه از وکیل در اجرای صیغه عقد (طباطبائی قمی، ۱۴۱۳، ۳، ۱۳۴) و طفل (روحانی، ۱۴۱۲: ۲۱/ ۴۰) و مجنون (شیرازی، بی تا: ۲۷۵/ ۶) به عنوان آلت یاد شده و گاه از حیوان. محقق حلی در مورد کسی که سگی را به حمله وا داشته و باعث قتل شود، قصاص را اشیبه دانسته است؛ زیرا سگ را آلت می داند. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴، ۱۸۳) محقق حلی می فرماید: «لو کان غیر ممیز کالطفل و المجنون فالقصاص علی المکره لأنه بالنسبة إلیه کالآلة» (محقق حلی، همان، ۱۸۵) طفل، مجنون و حیوان به دلیل عدم دخالت عقل در رفتار آنها آلت شمرده شده اند. بر اساس بند (ب) ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی که از منابع فقهی برگرفته شده «قصد انجام عمل نوعاً کشنده» ضابطه دوم قتل عمدی در حقوق کیفری ایران است. در ارتباط با آلت قتاله قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در ماده ۱۷۱ چنین بیان داشته است: «اگر شخصی آلت قتاله را به کار ببرد هر چند قصد قتل نداشته باشد قتل او در حکم عمد است.» در قوانین ایران به معرفی آلت قتاله پرداخته نشده است. ولی بنابر رویه قضائی آلت قتاله می تواند به دو دسته تقسیم شود: اول: آلتی که ذاتاً کشنده باشد مانند سلاح گرم و چاقو و قمه؛ دوم: آلتی که بر حسب موضع حساس قتاله تشخیص داده می شدند. مانند استفاده از چوب و سنگ که بر موضع حساسی مانند سر اصابت نماید. گاهی نیز به جای آلت قتاله از عنوان «کاری کند نوعاً کشنده» و از عمل نوعاً کشنده استفاده کرده است. بند (ب) ماده ۲۰۶ بیان داشت که اگر شخصی عمداً کاری کند که نوعاً کشنده باشد، چنانچه عملش سبب قتل شود، هر چند قصد قتل نداشته باشد باز هم قتل، عمدی محسوب می شود. عبارت «عملاً کشنده» حاکی از این است که اگر شخص کاری را در مقام عمل انجام دهد حتی اگر آلتی را به کار نبرد. مثلاً فردی را از بلندی پرت کند. در اینجا این عمل نوعاً کشنده است. ضابطه دوم در ماده ۲۰۶ عنصر «قصد» می باشد. بدین ترتیب که بیان داشته «قصد انجام عمل نوعاً کشنده». با نگاهی واقع گرایانه به مسئله حاضر می توان به راحتی دریافت ماشینی که به نام ربات ساخته شده است، آلتی است که برنامه ریزی آن بدست انسان انجام می شود و بدون دستوراتی که به آن داده می شود نه تنها نمی تواند به خودی خود اقدامی را صورت دهد بلکه قادر به حرکت نیز نخواهد بود. بنابراین تردیدی در آلت و وسیله بودن آن نیست.

مستندات مسئولیت کیفری جرائم انجام شده توسط ربات

بعد از اتمام مباحث مقدماتی در زمینه سبب، مباشر و تسبیب و آلت بودن ربات لازم است تا دلالت مستندات را نسبت به ضمان فرد استفاده کننده از ربات نسبت به اتلاف نفس یا عضو و مال مورد بررسی قرار گیرد. قبل از شروع استناد به دلائل بیان این نکته لازم است که ربات ماشینی است که اختیار ساخت، برنامه ریزی و استفاده از آن در دست انسان است. از طرفی صدق سببیت در آن به واسطه وجود عنصر تقصیر و یا

عمد کاملاً روشن است. اثبات قصاص نفس یا عضو برای طراح و یا استفاده کننده از ربات برای قتل توسط برخی ادله می تواند اثبات شود:

الف) آیات

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (النساء، ۵، ۹۳) و هر کس مومنی را به عمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن جاوید معذب خواهد بود خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید برایش مهیا سازد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى» (البقره، ۲، ۱۷۸) ای اهل ایمان حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در برابر آزاد و بنده را در مقابل بنده و زن را به جای زن قصاص توانید کرد.

عموم دو آیه فوق شامل هر دو مورد (مباشر و سببیت) می شود. چه امر در صورتی که از آلتی انسانی (همانند کودک و مجنون) برای قتل استفاده نماید، قصاص می شود. (راوندی، ۱۴۰۵، ۲، ۳۹۴) ربات نیز در حکم آلتی است که هر چند مانند عامل انسانی نیست ولی به دلیل هوشمند بودن آلت محسوب می شود. در موارد فوق مباشر قصاص نخواهد شد بر خلاف جایی که مباشر فردی عاقل و بالغ و حتی ممیز باشد.

ب) روایات دال بر ضمان

برخی روایات می توانند در این زمینه مورد استناد واقع شوند:

الف) خبر سکونی عن ابي عبد الله عليه السلام «قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من أخرج ميزاباً أو كنيفاً أو أوتد وتدا أو أوثق دابةً أو حفر شيئاً في طريق المسلمين فأصاب فعطب فهو له ضامن» (کلینی، ۱۴۰۷، ۷، ۳۵۰) امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هرکس ناودانی را در محل رفت و آمد مسلمانان نصب کند، یا بیت‌الخلاء در آن ایجاد نماید، و یا میخ در آن بکوبد و یا حیوانی را در آن ببندد و یا چاهی در آن حفر کند و به کسی اصابت کند و هلاک گردد ضامن است.

روایت فوق با اینکه به دلیل وجود سکونی و نوفلی در سند آن موثق خوانده شده (مجلسی اصفهانی، ۱۴۲۰، ۲۹ و مازندرانی، ۱۴۱۳، ۳۰۰) ولی عمل فقها به این روایت و روایت آن توسط ائمه حدیث (کلینی، صدوق و شیخ طوسی)، باعث جبران سند می شود.

ب) صحیح حلبی عنه علیه السلام: «سألته عن الشيء يوضع على الطريق فتمر به الدابة فتنفر بصاحبها فتعقره، فقال: كل شيء يضر بطريق المسلمين فصاحبه ضامن لما يصيبه» (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰، ۲۲۴) امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از حکم چیزی که در راه مسلمانها قرار داده شده و سبب ترس و فرار چهار پا شده و در نتیجه صاحبش را زمین می زند، می فرماید: هر چیزی که موجب زیان راه و عابر شود ضامن آور است.

خبر سکونی و صحیح حلبی نهایتاً سببیتی را می تواند شامل شود که فرد بدون در نظر گرفتن حق دیگران و به عمد و تقصیر باعث اتلاف شود. زیرا بنا بر آنچه بزرگان گفته اند، گذاردن ناودان امری لازم برای خانه ها محسوب می شود. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳، ۳۷۱) گرچه برخی نیز اباحه استفاده را مسقط ضمان ندانسته اند. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۹، ۳۶۳) همچنین تقیید و تخصیص موارد به ملک و یا نگهداری سگ در خانه و حفاظت اطلاق روایت را زیر سوال می برد. بنابراین استناد به آن در صورتی می تواند درست باشد که عنصر عمد و تقصیر را بتوان در آن لحاظ نمود. دو حدیث ذیل بیان کننده تقییدی است که بدان اشاره گشت:

(ج) صحیح زرارة عنہ علیہ السلام «قلت له: رجل حفر بئرا فی غیر ملکہ فمر علیہا رجل فوقع فیہا، فقال: علیہ الضمان، لأن کل من حفر بئرا فی غیر ملکہ کان علیہ الضمان» (کلینی، همان) زرارہ گوید: به او گفتم: فردی چاهی را در محلی غیر از ملک خویش حفر نموده است و دیگری هنگام گذر از آن محل درون چاه سقوط کرده است. فرمود: [حفر کننده چاه] ضامن است؛ زیرا هر کس در محلی غیر از ملک خویش چاهی حفر نماید، ضامن است.

(د) موثق سماعة «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يحفر البئر في داره أو في ملکہ، فقال: ما كان حفر في داره أو ملکہ فليس عليه ضمان. و ما حفر في الطريق أو غیر ملکہ فهو ضامن لما يسقط فیہا» (صدوق، ۱۴۱۳، ۴، ۱۵۳) از امام صادق علیه السلام در مورد کسی سوال شد که در خانه و یا ملک خویش چاهی حفر می نماید. حضرت فرمود: چاهی که در خانه و یا ملک خویش حفر نموده ضامنی را متوجه او نمی کند و آنچه در راه و یا غیر ملک خویش حفر نموده، ضامن چیزی است که در آن سقوط نماید.

در میان دیگر نصوص نیز می توان شواهدی بر ضمان یافت؛ به عنوان مثال احادیث مستفیضه ای مبنی بر ضمان شاهد وجود دارند که در صورت رجوع از شهادت بعد از قضاوت ضامن اندازه ای از مال فرد است که باعث اتلاف آن شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۳۲۷، باب ۱۱ از ابواب شهادات) همچنین در صورتی که شهادت باطلی داده باشد و باعث مرگ دیگری شده باشد، قصاص می شود. (حر عاملی، همان، ۳۲۸، باب ۱۲ ابواب الشهادات) همچنین در صورتی که شهادتی دهد که باعث قطع دست سارق شود و بعد از شهادت خود بازگردد. (حر عاملی، همان، ۳۳۲، باب ۱۴ ابواب الشهادات) احادیث فوق دلالت بر ضمان در صورت سببیت بر خسارت و تلف دارند؛ خواه تلف مال باشد و یا نفس و عضو. اطلاق سبب و عناصر موجود در احادیث فوق نسبت به مسئله حاضر کمکی خواهد بود. مورد نیز در برخی از این روایات نمی تواند مخصص باشد. زیرا بیشتر اینها از باب مثال می باشد. (سبزواری، ۱۴۲۳: ۲ / ۶۳۵) حفر چاه، نصب ناودان (در صورت بروز خسارت)، بستن حیوان در راه عبوری مردم و یا کوبیدن میخ همگی از باب مثال بوده و قابل تعمیم نسبت به مواردی شبیه می باشند. در صورتی که به مورد نصوص اکتفا شود تعمیم خود قاعده بدون مشکل خواهد بود. زیرا تعریفی که از

قاعده مذکور شد نشان دهنده عمومیت حکم نسبت به تمام موارد خواهد بود. پس حدیث ذیل بدان اشاره دارد: خبر ابی الصباح الكنانی عنه علیه السلام ایضا «من أضر بشيء من طريق المسلمين فهو له ضامن» (کلینی، همان) امام صادق می‌فرماید: هر کس به هر اندازه که به راه مسلمانان زیان برساند ضامن است.

ضرر اعم از هر نوع زیان و خسارتی است که ممکن است به دیگران برسد. خواه خسارت جانی باشد و یا

مالی. (سیستانی، ۱۴۱۴، ۱۱۰)

ج) قاعده تسبیب

مستند دیگری که در این زمینه می‌تواند مورد استناد واقع شود، قاعده تسبیب است. بدین ترتیب که این قاعده گویای ایجاد سبب تلف توسط ماشینی است که برای هدفی مشخص ساخته شده است. چنانکه بیان شد استفاده از چنین سببی جزء سومین مراتب تسبیب یعنی آلت است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴، ۱۸۳) پس این طراح ربات است که با علم و قصد نسبت به اتلاف از آن استفاده می‌کند. و همو مسئول فعالیت های آن خواهد بود. چه اتلاف مذکور با هدفی از پیش تعیین شده است. در آلیت هیچ تفاوتی میان طفل، مجنون و حیوان و ربات وجود ندارد. هر کدام از اینها به دلیل فقدان اختیار و ضعف به دلیل فقدان عقل و یا اکراه می‌توانند آلت محسوب شوند. (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ۲، ۳۹۱) اقوی بودن سبب از مباشر در مورد ربات ها حبس امر را در پی ندارد بلکه باید مستقیماً مورد بازخواست قرار گیرد. در صورت قتل قصاص شده و در صورت اتلاف مال مسئول خسارات وارده می‌باشد. ضمان و مسئولیت در این مورد نیازمند احراز اثبات سببیت است. به عبارت دیگر اثبات رابطه سببیت میان ضرر و فعل لازم است تا مسئولیت فرد را بتوان ثابت نمود. (بجنوردی، همان، ۲۱۲) در بحث حاضر می‌توان رابطه فعل و ضرر (در اینجا قتل و اتلاف) را به راحتی دریافت. البته چنانکه بیان شد مرجع تعیین این رابطه عرف است. ماده ۳۳۱ قانون مدنی نیز بر این مطلب صحه گذارده و استنباط ضمان از آن به راحتی امکان پذیر است: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید» در تسبیب، کسی که سبب تلف مال و اضرار دیگری شده در صورتی مسئول میباشد که در فعل خود تقصیر نموده باشد یعنی احتیاطات لازمه را نکرده و آن در موردی است که عواقب عمل خود را که نوعاً پیش‌بینی میشود، از نظر دور داشته و یا با توجه بآن مرتکب عملی شده که موجب خسارت گردیده است. (امامی، همان، ۳۹۳) از طرفی می‌توان به ماده ۳۳۴ قانون مدنی استناد نمود: «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد میشود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشند لیکن در هر حال اگر حیوان بواسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود» تسبیب مانند اتلاف ممکن است از روی عمد و یا غیر عمد باشد مثلاً کسی در زمستان سرد، آب در معبر بریزد و در اثر یخ زدن عابری زمین بخورد و پایش بشکند،

مسئول خسارت وارده بر او است خواه عمداً این عمل را کرده باشد و یا بدون توجه بآنکه در زمستان سرد آب یخ میزند و ممکن است کسی در اثر آن بزمین بخورد. اطلاق و عدم ذکر تفصیل مزبور در ماده ۳۴۱ قانون مدنی گواه بر این امر میباشد. موجب آنکه در اتلاف، تقصیر شرط مسئولیت قرار داده نشده و در تسبیب شرط مسئولیت میباشد آنست که منطبق حقوقی که بر تشخیص ساده عرف و عقل استوار است، تلفی که مستقیماً و بلا واسطه از فعل کسی بوجود آید، چنانکه در اتلاف است، فاعل را علت تلف و مسئول آن میشناسد، اگر چه هیچ‌گونه تقصیری هم نداشته باشد. ولی تلفی که بواسطه، از فعل کسی حاصل شود، چنانچه در تسبیب است، فاعل را وقتی مسئول میدانند و تلف را باو نسبت میدهند که تقصیر کرده باشد و الا هرگاه احتیاطات لازمه را نموده باشد فاعل را مسئول نمیدانند و تلف را هم باو نسبت نمیدهند. (امامی، همان، ۳۹۴)

صدق عنوان آمر بر استفاده کننده از ربات

اگر ربات را آلتی بدانیم که مطابق برنامه ریزی انجام شده حرکت کرده و رفتارهای صادر شده از آن توسط سازنده و طراح می باشد، صدق آمر بودن نیز بر سازنده می توان نمود. بدین بیان که همانطور که طفل و مجنون و حتی حیوان می تواند طی تربیت خاص رفتار خواسته شده را انجام دهد، ربات نیز مطابق برنامه ریزی انجام شده رفتار نموده و اوامری تحت عنوان نرم افزار را پیاده می کند. در فقه، مالک یا حافظ اشیاء اصولاً ضامن خسارت وارده از ناحیه آنها نمی باشد، مگر اینکه بتوان تقصیری را به او استناد داد. (بجنوردی، همان، ۲۱۱) پس از طرفی مأمور به انجام دستورات آمر است. در صورت اثبات این امر آمر طبق ادله معتبر قصاص نمی شود بلکه حبس می شود. ولی فرض مسئله این است که ربات همانند کودک و مجنون است و بالغ و عاقل نیست تا به جرم مباشرت در قتل قصاص شود. همانگونه که آمر در صورت استفاده از کودک و مجنون قصاص شده و ضامن است، در مورد ربات نیز همین حکم جاری است. آمر در اینجا کسی است که ربات را طراحی نموده و طبق برنامه آن را برای ضربه زدن به دیگری آماده نموده است. در واقع این ربات است که به عنوان مأمور دستورات آمر را اطاعت می کند. پس سبب اقوی از مباشر بوده و مسئولیت هر اتلافی بر عهده سبب است. همین امر در موارد مشابه نیز صادق است. مانند مأمورین شهرداری که اقدام به تخریب ساختمانی می کنند؛ در این صورت حکم به اقوی بودن سبب (آمر) شده است. (امامی، همان، ۳۹۵) تردیدی نیست که در هر دو صورت چه آمر بودن بر سازنده و طراح و یا استفاده کننده صدق کند یا نه، سببیت بر او صادق است و موجب سلب ضمان نخواهد بود. زیرا به وضوح دیده می شود که این موجودات دستوراتی را اجرا می کنند. (امامی، همان، ۳۹۲) در واقع این ماشین ها تنها ارائه دهنده خدماتی هستند که برای آن طراحی شده اند. بنابراین سبب در این موارد اقوی از مباشر است. پ

صورت‌های مختلف مسئله

۱. ربات‌های هوشمند

البته در صورتی که پیشرفت تکنولوژی به گونه‌ای باشد که خود ربات تشخیص دهنده (ممیز) باشد، صدق مباشر بر آن دور از ذهن نیست. همانگونه که طفل ممیز را می‌توان به عنوان مباشر در قتل شناخت. البته چنانکه بیان شد این همه در صورتی است که ربات مذکور به حدی از پیشرفت برسد که قدرت تمیز داشته باشد. اشکالی که می‌توان در این زمینه مطرح نمود اینکه عرفاً اینگونه از ماشین‌ها به هر اندازه که قدرت تشخیص داشته باشند باز سبب محسوب می‌شوند. زیرا از جمله شرایط تنجز تکلیف قدرت، اختیار و عقل می‌باشد. (حسین نجفی، ۱۴۲۷، ۳۲) از طرف دیگر عقوبت برای این ماشین‌ها (اعم از قصاص و دیه و جبران خسارت) قابل تصور نیست. بنابراین هر چه که این گونه ربات‌ها دارای قدرت تمیز باشند، ضمان بر عهده طراح آنها خواهد بود. خواه این ضمان قود باشد و یا جبران خسارت.

۲. ربات مهاجم یا جنگجو

این نوع از ربات‌ها که برای جنگ‌ها طراحی شده‌اند و تنها قابلیت موجود در آنها کشتار می‌باشد. صرف ساخت اینگونه جنگ‌افزارها با اشکال شرعی مواجه نیست. زیرا بنابر دلائل معتبر ساخت و تولید این ماشین‌ها لازم است. (الانفال، ۸، ۶۳) فرض این نکته نیز قابل تصور است که رباتی برای کشتار افراد خاصی (مثلاً در جنگ‌ها) طراحی شده باشد، ولی در اثر ورود ویروس در سیستم تشخیص دچار اختلال شده و خود مباشرتاً موجب قتل شود. در این فرض اثبات ضمان بر آمر (طراح ربات) بعید به نظر می‌رسد. البته صدق آلت نیز بر ربات نیز خالی از وجه نیست. زیرا عادتاً برای کشتار طراحی شده است. (شیرازی، بی تا: ۳۷۵) اگرچه اثبات ضمان با مشکل مواجه است. زیرا طراحی اولیه این ربات برای کشتار در جنگ بوده و قصد سازنده و کسی که برنامه ریزی کرده استفاده از ربات برای کشتن دشمن بوده است. همانگونه که گذشت قصد نیز در تسبیب مؤثر می‌باشد. البته برخی فقها در چنین مواردی که قصد وجود ندارد، حکم به پرداخت دیه نموده‌اند. (روحانی، بی تا، ۳، ۳۱۵)

۳. توجه ضمان نسبت به ربات غیر معتاد

اصطلاح غیر معتاد نسبت به ربات بدین ترتیب است که رباتی که برای اهدافی دیگر غیر از کشتار طراحی شود ولی با برنامه ریزی و یا ایجاد اختلال در نرم افزارهای آن موجب قتل شد. نوع دیگری که می‌تواند اینجا مطرح شود اینکه اگر رباتی برای اموری دیگر طراحی شده باشد در صورت اتلاف، مسئول خسارات وارده چه کسی خواهد بود؟ بدین ترتیب که امروزه از ربات‌ها در عرصه‌های مختلفی از صنعت استفاده می‌شود. در صورتی که فردی در اثر ارتباط با این ماشین‌ها دچار آسیب شود مسئول خسارات وارده کیست؟ این

فرع از موضوع نوشتار حاضر خارج می باشد. زیرا در این صورت مسئولیت ناشی از آن در محدوده مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ولی به دلیل اینکه ربات ها در آن دخیل می باشند می توان به عنوان فرعی از آن یاد نمود. از موارد پیش گفته می توان حکم این فرع را نیز دریافت. بدین ترتیب که در صورت بروز هر گونه آسیب جانی و مالی و وجود عناصر قصد و علم می توان با استناد به قاعده تسبیب مسئولیت فرد حقیقی یا حقوقی را در این زمینه اثبات نمود. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱، ۲۱۱) باید توجه داشت که عنصر قصد و یا علم در این ربات ها عموماً وجود ندارد. آنچه در این موارد دیده می شود استفاده برای اهدافی انسانی است که تسهیل امور می باشد. بنابراین در صورتی می توان طراح را مسئول دانست که افراط و یا تفریطی داشته باشد که منجر به اتلاف شود. در صورت فقدان این دو عنصر مسئولیتی کیفری بر عهده طراح نیست. اما جبران خسارت به دلیل قاعده «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» لازم است. (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۲۱۹) شاید بتوان گفت با تعبیری که برخی فقها دارند این امر به عنوان مباح شرعی بوده و در صورت فقدان افراط و تعدی نمی توان حکم به ضمان نمود. (مرعشی، ۱۴۲۷، ۲، ۱۵۳) در هر حال فعل مباح، فعلی است که مورد امر و نهی قانونی قرار نگرفته و وسیله اجرای حق نیز نباشد، مانند کندن چاه و نهر در اراضی موات. فعل مزبور مادامی مباح است که موجب خسارت بغیر نشود و الا ممنوع و فاعل آن مسئول خسارات وارده بر غیر می باشد. این است که در مبحث حریم املاک، قانون مدنی پس از ذکر مقدار حریم چاه و قنات در ذیل ماده ۱۳۸ می گوید: «... لیکن اگر مقادیر مذکوره در این ماده و ماده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد، باندازه که برای رفع ضرر کافی باشد بآن افزوده میشود» بنابراین هرگاه کسی چاه قناتی بکند بفاصله ۱۰۰۰ متر از چاه قنات دیگری و آب قنات سابق نقصان پذیرد باید علاوه بر پر کردن آن خسارت صاحب قنات سابق را جبران بنماید اگر چه در اراضی موات باشد. (امامی، همان، ۴۰۱) عدم ضمان را می توان از موارد مشابهی که فقها ذکر نموده اند برداشت نمود. مثلاً نصب ناودان بر بام خانه امری مباح است ولی در صورت افراط و تفریط و تجاوز اگر موجب اتلاف شود، ضمان را در پی خواهد داشت. (حائری طباطبائی، همان، ۱۶، ۴۰۸) در هر حال ایجاد سبب فنا و از بین رفتن با معنایی که برای سبب بیان شد موجب و باعث ضمانت است، چه ایجاد کننده سبب یا مسبب قصد مترتب شدن سبب را بر کارش بکند، یعنی قصد تلف را بکند یا قصد تلف را نکند. لکن باید آنچه موضوع برای ضمانت است (عنوان سبب) بر آن صدق کند و آن موضوع و عنوان کسی است که در غیر ملک خود چاهی بکند و در آن چیزی بیفتند، پس او ضامن آن است. اگر چه قصد عدم را هم بکند، یعنی چاهی بکند به امید آنکه کسی در آن نیفتد. (بجنوردی، همان، ۱۶) ایرادی که نسبت به قاعده تسبیب می توان بیان نمود اینکه برای استناد به این قاعده وجود عنصر تقصیر نیاز است. در حالی که در استفاده از ربات هایی که برای امور دیگری ساخته شده اند، این عنصر معمولاً موجود نیست. بنابراین اثبات مسئولیت با اشکال روبه رو خواهد

بود. مسئله دیگر در این فرع اینکه در صورت افراط و تفریط خود مجنی علیه و متلف عنه هیچ ضمانی بر عهده طراح و سبب نیست. در این مورد نیز مسئولیت بر عهده خود فرد است (امام خمینی، بی تا، ۲، ۵۶۷) که نهی از به هلاکت افکندن نفس شامل حال او می شده است. (البقره، ۲، ۱۹۵) برای فرع حاضر می توان فروضی را محتمل دانست: فرض اول: نرم افزار ربات توسط ویروس وارد شده توسط فرد اختلال پیدا کرده و باعث قتل می شود. این مورد می تواند توسط ویروس به صورت عمد وارد سیستم شود و یا بدون ویروس و دست بردن در نرم افزارهای آن ایجاد شود. فرض دوم: ویروس توسط عامل انسانی وارد نشده بلکه به دلائل دیگری سیستم اختلال پیدا کرده است. در این صورت این آلت جزء آلات قتاله و مضر محسوب نمی شود. محقق حلی در بیان مراتب تسبیب، نکته ای را بیان نمود که در آن آلت را به دو نوع آلت عرفاً مضر و غیر مضر تقسیم می نمود. اما با نگاه درست هیچ تفاوتی میان این دو نیست. آلت چه عادتاً مخصوص قتل باشد یا نه، در صورت وجود قصد کشتن، می تواند موجب ضمان باشد. (شیرازی، بی تا، ۳۷۵) درست است که در صورت تشبه امر برای حاکم و قاضی استناد به آلت استفاده شده، می تواند موجب سلب قصاص شود. در هر حال فرض ما مربوط به جایی است که فرد با هدف قبلی و قصد اقدام به استفاده از ربات برای قتل می کند. بنابراین نوع ربات نمی تواند تعیین کننده باشد. پس در فرض اول که عامل انسانی باعث اختلال در عملکرد ربات شده مسئول و ضامن است. این مثال مانند حالتی است که کسی با ادای شهادت کذب موجب محکومیت فردی به اعدام شود، در چنین حالتی مباشر اجرای قصاص به دلیل عدم امکان استناد ناشی از نبود تقصیر مسئولیتی ندارد و این شاهد است که سبب اقوی محسوب می شود. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ۴۰۸) بر خلاف فرض دوم که عاملی غیر از انسان باعث اختلال شود.

۴. توجه ضمان نسبت به تمامی طراحان

نکته ای دیگر که در این زمینه به ذهن می رسد اینکه در صورت تعدد آمرین و یا طراحان ضمان متوجه همگی آنان خواهد بود. اگر عامل اصلی که موجب قتل بوده شناسایی شود، قصاص شده و یا دیه را پرداخت می کند و اگر مانند قتل های مباشرتی عامل اصلی شناسایی نشود، قصاص نخواهد شد بلکه دیه بالسویه از آنان گرفته می شود. (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸، ۱۵، ۴۳۰) البته می توان در صورت تعدد اسباب، سببی که سابق است را به عنوان ضامن معرفی نمود. به عبارت دیگر سببی که تأثیر آن سابق باشد اگرچه حدوث آن متاخر باشد. در صورت تساوی اسباب می توان بالسویه ضمان را میان آن دو تقسیم نمود. (امام خمینی، بی تا، ۲، ۵۶۹) برخی در این زمینه یعنی اجتماع چند سبب گفته اند: گاه در حصول تلف بیش از یک سبب نقش دارد، مانند کندن چاه در محل غیر مجاز از سوی یک فرد، گذاشتن سنگ، نزدیک آن از سوی فرد دوم و برخورد کردن فرد سوم با سنگ و افتادن در چاه و تلف شدن یا آسیب دیدن. در این گونه موارد ضمان متوجه چه کسی

است؟ دیدگاهها متفاوت است. اشهر، توجه ضمان به سبب مقدم در تأثیر است، هرچند پیدایی آن پس از سبب مؤخر باشد. بنابراین در مثال بالا آن که سنگ در مجاورت چاه نهاده است ضامن خواهد بود. برخی، هر دو مسبب (حفرکننده چاه و گذارنده سنگ) را یکسان ضامن دانسته‌اند. (هاشمی شاهرودی، ۲۰۴۶۸، ۱۴۲۶) طبق قاعده عقلی که مفاد نبوی مشهور (لا ضرر و لا ضرار) حاکی از آن است، هر کسی زبانی بدیگری وارد آورد باید آن را جبران بنماید. (امامی، همان، ۲۳۹) بنابراین در صورتی که زبان بوسیله یک نفر وارد آید خسارت را او باید جبران کند، (طاهری، همان، ۲، ۷۳) و چنانچه زبان بوسیله چند نفر وارد آید، هرگاه تمامی آنان در پیدایش آن متساوی تأثیر داشته باشند بتساوی مسئول خسارت وارده میباشند، مثلاً هرگاه پنج نفر مردان قوی سنگی را از دامنه کوه بغلطانند و سنگ حرکت کند و در جاده‌ای که از پای کوه میگذرد بر اتومبیلی بیفتد و آن را بشکند و دو هزار تومان تعمیر لازم داشته باشد، هر یک از آنان مسئول چهار صد تومان از آن میباشند، ولی هرگاه قدرت تأثیر آنان در پیدایش ضرر متفاوت باشد، نمیتوان تمامی آنان را مانند مورد مثال بالا بتساوی مسئول خسارت دانست، زیرا تأثیر هر یک در ایجاد فعلی که موجب خسارت شده متفاوت بوده و مسئولیت بتساوی ایجاب مینماید که یکی بیش از آنچه خسارت وارد آورده متحمل گردد و دیگری کمتر از آنچه سبب شده است. بنابراین ناچار باید هر یک را بمقدار قوه تأثیرش در فعل، مسئول خسارت دانست. اشکالی که در عمل پیش می‌آید، تشخیص مقدار تأثیر هر یک از افراد میباشد. تشخیص این امر را باید بعهده دادگاه گذارد و در صورتی که دادگاه لازم بداند از کارشناس کمک بخواهد. در قانون مدنی راجع بموردی که خسارت ناشی از عمل چند نفر باشد ماده موجود نیست. (امامی، همان، ۳۹۵)

۵. ضمان مساوی

فرع دیگر مربوط به جایی است که چند فرد به صورت مساوی در جرم شریک باشند. در این صورت مسئولیت متوجه آنان بوده و هر کدام به صورت مساوی با دیگر عاملان باید خسارت را تأدیه نمایند. ماده ۳۳۵ قانون مدنی در این زمینه چنین مقرر کرده است: «در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها، مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود» در صورت وقوع تصادم باید قبلاً تشخیص داد که در اثر تقصیر کدامیک از آن دو تصادم حاصل شده است و هرگاه معلوم شد که یکی از آن دو تقصیر کرده، او مسئول خسارت طرف خود است، مثلاً راننده اتومبیلی که مقررات شهربانی ایجاب مینماید از طرف دست راست برود و یا با اجازه پاسبان یا چراغ هدایت از چهار راه بگذرد، بدون رعایت آن میگذرد و باتومبیل یا گاری تصادم میکند، راننده اتومبیل مزبور مسئول خسارت وارده بطرف دیگر خواهد بود، و هرگاه هر دو تقصیر نموده‌اند هر یک مسئول خسارت وارده بطرف دیگر میباشند، زیرا او سبب خسارت مزبور شده

است. (امامی، همان، ۳۹۷) حال اگر همین حادثه را با ربات پی ریزی کرده باشند، برنامه نویسان اگر به صورت مشترک در تلف دست داشته باشند، به صورت مساوی مسئول خواهند بود.

۷. جرائم سایبری

این نوع جرائم توسط نرم افزارهایی برای باجگیری، ایزاء و یا هر هدف دیگری می توانند رخ دهند. هتک حیثیت و نشر اکاذیب، جرم علیه عفت و اخلاق عمومی، سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه، جرائم علیه صحت و تمامیت داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی و جرائم علیه محرمانگی داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی می توانند از جمله مصادیق این جرائم باشند. قانون جرائم رایانه ای برای هر کدام از این موارد مجازات هایی تعیین نموده است که مطابق با قواعد و ادله ای است که در مباحث فوق بیان گردید. ماده ۱۸ قانون فوق چنین مقرر داشته است: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه ای یا مخابراتی اکاذهایی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، راساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت، به حبس از نود و یک روز با دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» با توجه به ماده فوق می توان به راحتی دریافت که این جرائم تنها محدود به زیان معنوی نبوده و زیان های مادی را نیز در بر می گیرد. مطابق ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه ای انتشار محتوای حاوی تحریک، ترغیب یا دعوت به اعمال خشونت آمیز و خودکشی می توان هر اقدامی که توسط این نرم افزارها در راستای ترغیب و یا دعوت به قتل و جنایت انجام می شود را جرم انگاشت. ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی تحریک یا اغوای مردم به جنگ و کشتار یکدیگر را به صراحت جرم انگاشته و تفاوتی میان انجام این امور در فضای مجازی و حقیقی قائل نشده است.

نتیجه

ربات ها امروزه فعالیت های متعددی را در زندگی روزمره آدمی بر عهده گرفته و با پیشرفتی که تکنولوژی دارد طبیعتاً شاهد پیشرفت های فراوانی در این زمینه خواهیم بود. یکی از جنبه های این فناوری ایجاد ماشین هایی است که می تواند به عنوان قاتل، جنگجو و مبارز خودنمایی کند. در صورت استفاده از این گونه ربات ها در موارد خشونت و بر خلاف حقوق مدنی افراد، و با توجه به اینکه برنامه ریزی های آنها در دست آدمی است، مسئولیت ناشی از هر اتفاق بر عهده طراح است. بنابر آیات شریفه، احادیث و قاعده تسبیب می توان مسئولیت کیفری ناشی از چنین برنامه ریزی ها را متوجه طراح آن دانست. صدق امر بودن بر طراح از طرفی و آلیت بر ربات از دیدگاه عرف و عقل بر این مسئولیت صحه می گذارد. در صورت وجود طراحان

متعدد تعدد اسباب بر آنها صدق کرده و می توان به تساوی آنها در مسئولیت حکم نمود. مگر اینکه اختلافی در این زمینه رخ دهد که در این صورت سبب سابق ضامن است. ربات های ساخته شده برای اهداف دیگر غیر از کشتار از این قاعده مستثنا هستند؛ البته از جمله شروط آن فقدان عناصر افراط و تفریط است که با عنوان تقصیر در قانون از آن یاد شده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. اراکی، حاج آخوند، ملا ابوطالب (۱۴۲۰)، شرح نجاه العباد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. اصفهانی، محمد باقر (۱۴۲۰)، الوجیزة فی الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. امامی، سید حسن (بی تا)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی.
۵. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج.
۶. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۷. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۸. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۰)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. حلّی، محقق، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. حلّی، محقق، جعفر بن حسن (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۱۲. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۱۳. خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۴. راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۰۵)، فقه القرآن، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - رحمه الله.

۱۵. روحانی، سید صادق حسینی (بی تا)، بی جا: منهاج الصالحین.
۱۶. قمی، سید صادق حسینی روحانی (۱۴۱۲)، فقه الصادق علیه السلام، قم: دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
۱۷. سبزواری، محقق، محمد باقر (۱۴۲۳)، کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۴)، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، قم: دفتر آیه الله سیستانی.
۱۹. شیرازی، سید محمد حسینی، إيصال الطالب إلى المكاسب، منشورات اعلمی، تهران - ایران، اول، بی تا
۲۰. شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۱۱)، القواعد الفقهیة، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین علیه السلام.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۵. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۴)، حاشیة الإرشاد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۶. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۷. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۹. قمی، سید تقی طباطبایی (۱۴۱۳)، عمدة المطالب فی التعليق علی المكاسب، قم: کتابفروشی محلاتی.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۱. مازندرانی، خاتون آبادی اسماعیل خواجوی (۱۴۱۳)، الفوائد الرجالیة، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۳۲. مرعشی، سید محمد حسن (۱۴۲۷)، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران: نشر میزان.
۳۳. نجفی، بشیر حسین (۱۴۲۷)، مصطفی الدین القيم، نجف: دفتر حضرت آیه الله نجفی.

۳۴. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۵. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرائم علیه اشخاص، تهران: میزان.
۳۶. یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.